تأمین مالی و سرمایه گذاری در توسعه زیرساخت ها

متن سخنرانی مهندس عطاردیان- دبیرکل کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

مشارکت یکی از مهمترین ابزارهای رشد و توسعه می باشد به ویژه برای کشورهای درحال توسعه مشارکت ارادی، خلاق و آگاهانه افراد در روندها و فرآیندهای امور برنامه ها وسیاستگذاری ها نقش مهم و مؤثری دارد. بنابراین ایجاد زمینه های مشارکت اجتماعی با ویژگی های برشمرده شده فوق نقش محوری در میان عناصر مورد لزوم برای توسعه دارد با این رویکرد که مشارکت اجتماعی پایه و مایه اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است که در قالب شبکه ای پیوسته و همبسته در ایجاد و تقویت انسجام اجتماعی و ملی نقش مهمی دارد. بر این اساس برای سرمایه گذاری مالی در هر طرح و پروژه عمرانی قبل از هر عامل دیگری نیاز به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی است که بنیان آن بر اعتماد است ، در این تعریف مفهومی، هدف اعتماد فراگیر ملی و اجتماعی است که می تواند به عنوان عامل پیوند دهنده، کلیه عوامل و زنجیره های تأمین رشد و توسعه را در موزائیک عناصر تشکیل دهنده ان شکلی هندسی و کاربردی دهد. علمای اجتماعی واقتصادی

بر این باورند که، سرمایه اجتماعی منبع الهام بخش و هدایت گر، برای کنش متقابل اجتماعی است و موتور محرکه آن اعتماد متقابل اجتماعی است، بنابراین در بحث سرمایه گذاری مالی مشارکت خلاق ، آگاهانه ارادی و اختیاری که متکی بر اعتماد متقابل باشد یکی از شرایط اصلی و جوهره رمز موفقیت های برنامه ریزی است و توجه به کسب و دریافت این نوع سرمایه بسیار مهمتر از سایر سرمایه هاست ، شاید یکی از دلایل اولویت و اهمیت این سرمایه وجود مجموعه ای از توانایی ها و دانایی هایی باشد که در اشخاص علاقمند برای همکاری و همیاری در قالب اقدام گروهی آگاهانه تجمیع شده است وسازمان های مختلف جهت نیل به اهداف مشترک از این سرمایه استفاده شایسته می نمایند، برای دریافت بهتر از مفهوم سرمایه اجتماعی باید بگویم که سرمایه اجتماعی مجموعه ای از هنجارهای (نیک و مفید) در نظام اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه و موجب پائین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می باشد.

یکی از مفاهیم مهم در سرمایه اجتماعی ایجاد شبکه اعتماد(network of trust) است که به گروهی اطلاق می شود که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات و هنجارها و ارزشها ی یکسانی در تبادلات میان هم استفاده می کنند.

هراندازه سرمایه اجتماعی در نظام اجتماعی بالاتر باشد بوروکراسی و کاغذبازی و دیوان سالاری در آن کاهش می یابد و روند امور با سرعت و سهولت انجام می گیرد مدیران ارشد سازمان های کارفرمایی و خصوصی در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش حساسی برعهده دارند و در این میان آن گروه از مدیران ارشد می توانند مولد سرمایه اجتماعی باشند که شعاع اعتماد را در سازمان خود گسترش داده کارکنان، ذینفعان (اعم از مشتریان، سهامداران، زنجیره تأمین، دولت و ...) در آن احساس اعتماد نمایند، ایجاد روحیه همکاری ، سهولت دسترسی به اطلاعات سازمان توسط ذینفعان از جمله اقدام های مدیران موفق در ایجاد سرمایه اجتماعی است با این مقدمه .

به نظر می رسد بنیان توسعه پایدار را باید در تحقق سرمایه اجتماعی و آنهم از طریق ایجاد زمینه های لازم برای پیدایش، گسترش و ژرفا بخشی به اعتماد اجتماعی قرارداد تا اهداف موردنظر در برنامه ریزی هابا مشارکت بخش خصوصی و عمومی عملیاتی و اجرایی شود و امکان دستیابی به چشم اندازهای آن محقق گردد با این مقدمه که از شروط اصلی مشارکت و سرمایه گذاری است بحث اصلی خود را آغاز می کنم.

سرمایه گذاری یعنی چشم پوشی کردن از ارزشی در زمان خاص برای دسترسی به ارزشی بیشتر در آینده است. در این تعریف دوعنصر ارزش اضافی (بازدهی) و زمان وجود دارد. به عبارتی این بازدهی معطوف به آینده است. پیش بینی آینده نیز احتمالی و غیرقطعی است لذا عنصر ریسک و خطر در آن لحاظ می شود. بنابراین سرمایه گذاری بردوپایه استوار است ۱- ریسک ۲- خطرپذیری. سرمایه گذار زمانی تصمیم به سرمایه گذاری می گیرد که حد مطلوبی از ریسک و بازدهی برای آن تأمین شده باشد. به عبارتی بازدهی و امنیت عامل اصلی تصمیم گیری است.
در نظام اقتصادی جهان دونوع روش تأمین منابع برای بنگاههای اقتصادی وجود دارد: ۱- استفاده از منابع مالی بانک(bank based) ۲- روش پایه اوراق بهادار (SECURITY BASED) باید عرض کنم که کشورهای صنعتی به طور میانگین حدود ۵۵ درصد از تشکیل سرمایه ناخالص داخلی(FCF) *را از طریق بازار سرمایه تأمین می کنند و این میانگین تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در کشورهای تازه صنعتی شده به حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد می رسد. یکی از شاخص های مهم اقتصادی که از آن با نام شاخص های کلیدی key indicatorsیادمی شود نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به کل تولید ناخالص داخلی است که به اختصار،به صورت (FCF) به کار برده می شود.طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ رشد ورود سرمایه گذاری به کشورهای توسعه یافته از رشد خروج آن کمتر بوده است و این وضع برای کشورهای در حال توسعه برعکس است یعنی رشد ورود سرمایه به این کشورها بیشتر از خروج سرمایه است و در برخی از کشورهارشد، ۳۶ درصدی است به طوری که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ حدود ۳۱ برابر افزایش یافته است که عمدتاً این سرمایه گذاری ها در ارتباطات از راه دور، انرژی و حمل ونقل انجام شده است . در ایران موانع متعددی بر سر راه توسعه ی سرمایه گذاری قرار داردکه می توان آنها را به شرح زیر طبقه بندی کرد.
نامساعد بودن محیط کسب و کار (هردم از این باغ بری می رسد) طلب پیمانکاران داده نمی شود ولی سازمان مالیاتی، مالیات برارزش افزوده را برای آنها علاوه بر جریمه ۲۰درصدی با زیان دیرکرد۲۵درصدی، در سال محاسبه و برای وصول آن اجرائیه صادر می کند، دخالت گسترده دولت و نهادهای عمومی و شبه دولتی از جمله عوامل نامساعد کننده محیط کسب و کار برای سرمایه گذاری خارجی و فعالان بخش خصوصی است.
عدم وجود نگرش علمی لازم در برنامه ریزی ها و سیاستگذاریهای مالی و پولی از دیگر عوامل مؤثر و موانع سرمایه گذاری تلقی می شوند. که موارد زیر رانیز می توان به آن اضافه کرد.

* Free cash flow

- ناکافی بودن تجهیز منابع مالی موردنیاز بخش خصوصی.
- ناکافی و نامتناسب بودن زیربناهای فیزیکی.
- ضعف نهادهای سیاستگذار و اجرایی و چرخه طولانی بوروکراسی در آن.
- نارسایی و ناهماهنگی در قابلیتهای تکنولوژی های لازم برای سرمایه گذاری.
- تعدد مراکز تصمیم گیری که در بسیاری موارد دارای چارچوب های متزاحم و متضاد با یکدیگرند.
- وجود ذهنیت منفی در مورد سرمایه گذار و این امر برای سرمایه گذاران خارجی به مراتب با ذهنیت منفی شدیدتری حکمفرماست.
- ابهام در قوانین و مقررات به طوری که تفسیربه رأی از آن، زمینه های ریسک و خطر سرمایه گذاری را بالا می برد و سرمایه گذار خارجی و داخلی ، در این نوع فضا، احساس امنیت لازم برای سرمایه گذاری نمی کنند.
- بوروکراسی تو درتوی طولانی که قرار گرفتن در دالان های پیچ در پیچ آن، بخش بزرگی از انرژی و توانایی های نهادهای سرمایه گذار را نابود می سازد و خروج از آن نیز با صرف ظرفیت های زمانی طولانی همراه است به همین دلیل میزان ورود سرمایه به ایران در حد مورد انتظار نبوده است، به طوری که در سال ۱۳۸۵ حدود ۵۲۰ میلیون دلار، در سال ۱۳۸۶ حدود ۶۳۸ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۷ این مبلغ به ۱۹۸ میلیون دلار کاهش یافته است لازم به ذکر است که کل سرمایه گذاری خارجی در ایران حدود ۶ میلیارد دلار برآورد می شود که نسبت به کل سرمایه گذاری در جهان، یعنی حدود ۱۲۴۴ میلیارد دلار، رقمی در حدود ۵۰٪(نیم) درصد را نشان می دهد که سهم بسیار ناچیزی است .

اگر بپذیریم که اقتصادملی از دوبخش غیرمالی(حقیقی) ومالی تشکیل شده است . بنابر آن باید بگویم که بخش غیرمالی(حقیقی) شامل جریان کالاها و خدمات از تولید کنندگان به مصرف کنندگان و نیز جریان نیروی انسانی از مصرف کنندگان (عرضه کنندگان) به سمت تولید کنندگان است.

بر همین اساس، در بخش مالی اقتصاد ملی نیز جریان وجوه اعتبارات و سرمایه از ناحیه پس انداز کنندگان، مؤسسات اعتباری و مالی و صاحبان سرمایه، به سمت سرمایه گذاران و تولیدکنندگان کالاها و خدمات و یا دولت در حرکت است.این دو بخش بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و مکمل یکدیگرند زیرا برای نتیجه بخش بودن فعالیتهای اقتصادی در بخش حقیقی، مبادله و ابزارهای معرفی شده برای آن امری ضروری است و در این میان پول، اعتبارات و اوراق بهادار از ابزارهای

اصلی ان در بازارهای مالی اند بنابراین رکود و یا رشد یک بخش می تواند رکود یا رشد بخش دیگر را در پی داشته باشد و می توان نیتجه گرفت که در اقتصاد ملی سالم و پیشرفته، رشد هماهنگ این دو بخش تضمین کننده تداوم رشد اقتصادی است و در این ارتباط مجموعه عناصر مرتبط با بخش مالی، شامل ترتیباتی برای ایجاد ومبادله مطالبات است که به آن در ادبیات اقتصادی سیستم یا نظام مالی گفته می شود برای روشن شدن بحث به تعریف مفهوم سیستم مالی می پردازیم ، به نوعی می توان گفت که سیستم مالی، سازوکار انتقال دارایی های مالی را از پس اندازکنندگان به متقاضیان ، طرح ریزی می کند ، چنانچه دارایی های مالی را به مثابه یک کالا در نظر بگیریم در این صورت گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی را می توان یافت که با تحقق شرایطی اقدام به عرضه این کالا می نمایند و گروه دیگر نیز جهت تأمین نیازهای خود متقاضی این نوع کالا هستند، عرضه و تقاضای این کالا در فضایی به نام بازار مالی انجام می شود.

لازم به ذکر است که بازارهای مالی به چندین نوع طبقه بندی می شوند که یکی از موارد متداول آن بازار پول و بازار سرمایه است که معمولاً این دونوع بازار به صورت رسمی و سازمان یافته عمل می کنند البته نهادهای واسطه ای نیز میان عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان قرار دارند که در تسهیل و تسریع جریان وجوه، نقش مهمی ایفا می کنند که از آنها با نام مؤسسه های واسطه ای مالی نامبرده می شود.

برای جمع بندی و توضیح بیشتر باید بگویم به طور کلی مشارکت کنندگان اصلی بازار مالی شامل خانوارها، افراد و شرکتهایی هستند که به منظور ارایه وجوه، وارد این بازار می شوند و اغلب به واحدهای دارای مازاد معروفند، همچنین افراد و شرکتهایی که به دنبال دریافت و کسب وجوه از این بازارها هستند، به واحدهای دارای کسری معروفند. البته گاهی دولتها نیز به عنوان دریافت کننده یا عرضه کننده وجوه در این بازارها حضور می یابند بنابراین عرضه کنندگان و متقاضیان دارایی های مالی در هردوحالت، خانوارها، بنگاههای اقتصادی و دولت ها می باشند که هرسه به منظور تأمین مالی مورد نیاز به عنوان متقاضی، وجوهی را تقاضا می کنند و همچنین همه آنها مازاد نیاز مالی خود را عرضه می کنند که در شکل اخیر به عنوان عرضه کننده عمل می نمایند.
برای دریافت بیشتر از آنچه تاکنون ارایه شد روند کار را در نمودار زیر ارایه می دهیم:

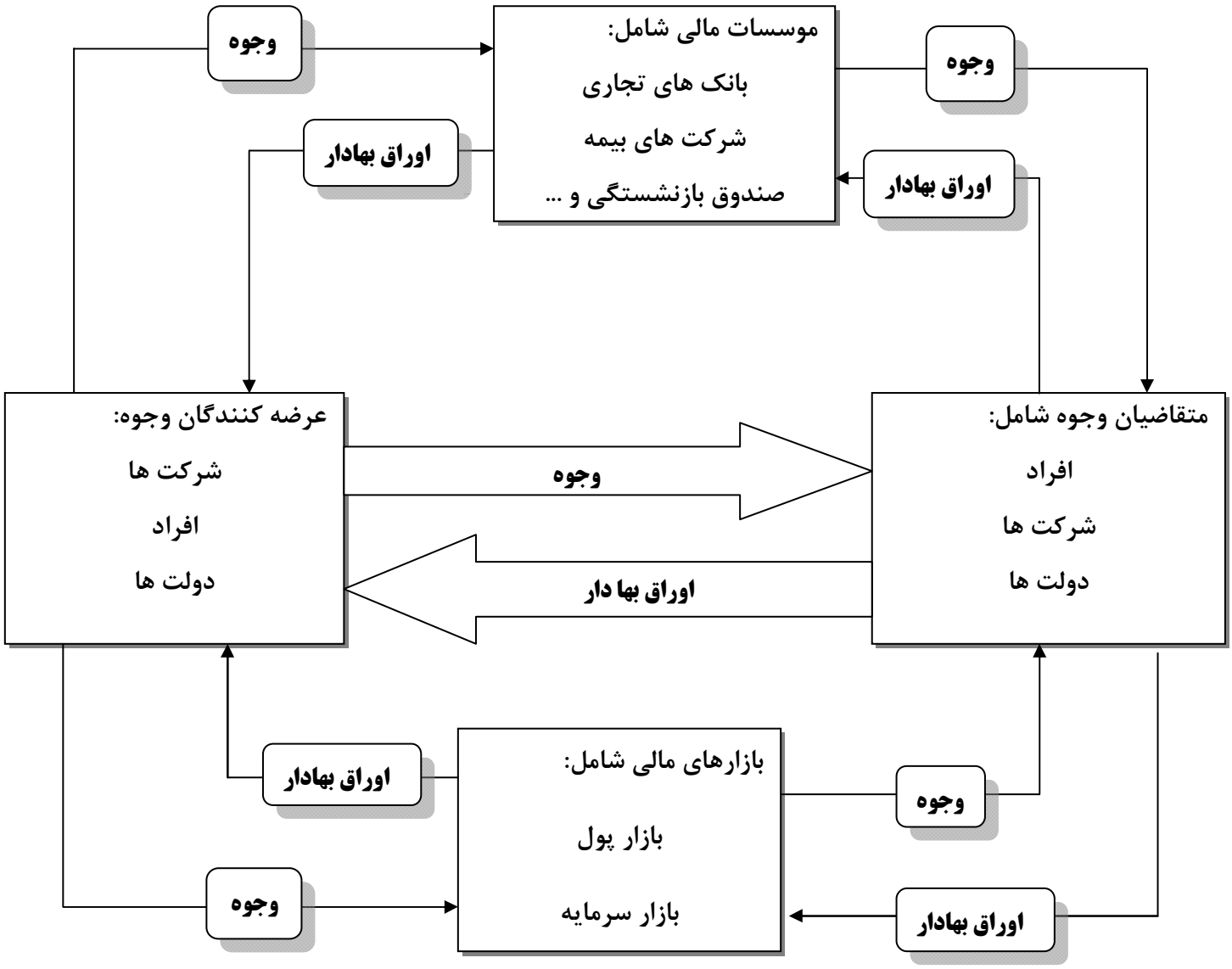

ساختار مالی – در تقسیم بندی کلاسیک بازار مالی، معمولاً آن را در سه بازار(سرمایه، پول و بیمه) طبقه بندی می کنند که به دلیل کمی وقت وارد مباحث فنی آن نمی شوم بلکه طرح ساختار بازارهای مالی را در نمودار زیر ارایه می کنم.

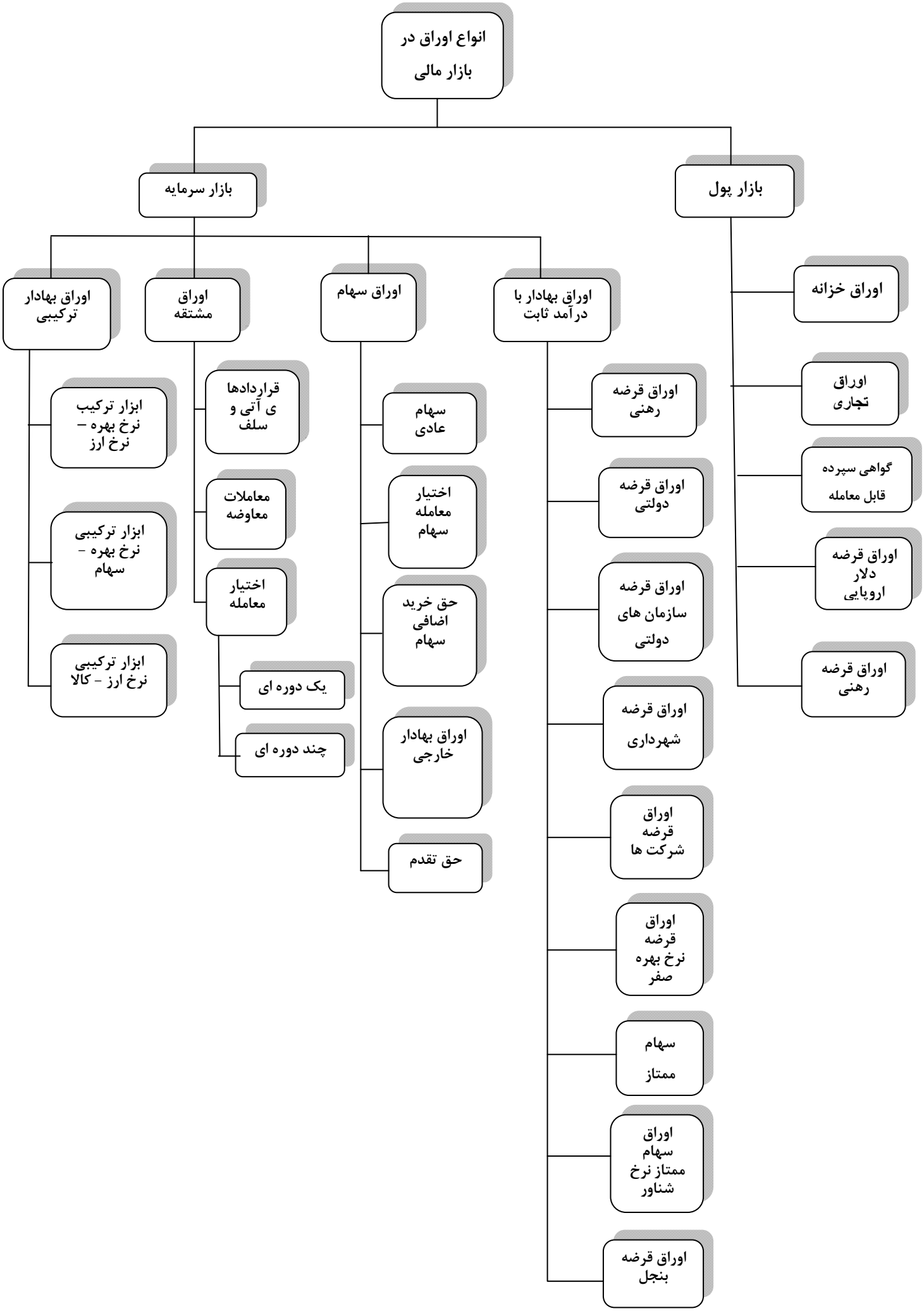
انواع اوراق در بازار مالی
بازار سرمایه
بازار پول
اوراق بهادار ترکیبی
اوراق مشتقه
اوراق سهام
اوراق بهادار با درآمد ثابت
اوراق خزانه
اوراق تجاری
گواهی سپرده قابل معامله
اوراق قرضه دلار اروپایی
اوراق قرضه رهنی
ابزار ترکیب نرخ بهره – نرخ ارز
ابزار ترکیبی نرخ بهره – سهام
ابزار ترکیبی نرخ ارز – کالا
قراردادها ی آتی و سلف
معاملات معاوضه
اختیار معامله
یک دوره ای
چند دوره ای
سهام عادی
اختیار معامله سهام
حق خرید اضافی سهام
اوراق بهادار خارجی
حق تقدم
اوراق قرضه رهنی
اوراق قرضه دولتی
اوراق قرضه سازمان های دولتی
اوراق قرضه شهرداری
اوراق قرضه شرکت ها
اوراق قرضه نرخ بهره صفر
سهام ممتاز
اوراق سهام ممتاز نرخ شناور
اوراق قرضه بنجل

اهداف و ویژگی های لازم برای بازارهای مالی

به نظر می رسد برای بازارهای مالی تحقق چهار هدف اهمیت دارد و باید برای رسیدن به این هدفها برنامه ریزی های دقیقی به عمل آید همانطور که در ابتدای بحث ارایه نمودم ویژگی های لازم برای تحقق هدفهای سرمایه گذاری عبارتند از ۱- ایجاد اعتماد در سرمایه گذار و مردم، نسبت به نظام مالی کشور۲- افزایش اطلاعات مردم نسبت به روند امور نظام مالی۳- حمایت لازم از مصرف کنندگان با افزودن بر آگاهی های لازم آنها برای ایفای مسئولیت های پیش روی ۴- کاهش زمینه های امکان و مجال بروز جرایم مالی و سوق دادن روند آن به سمت صفر.

این امر نیازمند آن است که قانون گذار این هدف ها را در متن فعالیت های سازمان نظارت برخدمات مالی قرار دهدو پی گیر اجرای بی تنازل آن در همه زمینه ها باشد.

ویژگی های سامان دهی بازار مالی را به طور اجمالی در گزاره های زیر می توان مطرح کرد.

- به کارگیری منابع مالی به اقتصادی ترین و کارآمدترین وجه ممکن.
- به رسمیت شناختن مدیران شرکتهای مشمول مقررات تأمین مالی.
- رعایت اعتدال در برخورد با صنعت و برداشتن موانع و محدودیت های پیش روی آن .
- ایجاد تسهیلات و گشودن راه برای نوآوری در صنعت و تولیدو در زمینه های مناسب با بیانیه مأموریت این قبیل مراکز صنعتی و تولیدی.
- توجه به ویژگی های بین المللی خدمات مالی و موقعیت رقابتی آن.
- گشودن راه برای رقابت های سالم و سعی در جلوگیری از رقابتهای ناسالم.

در این بخش از بحث، تعریف، توضیح و شرحی اجمالی نسبت به مفاهیم ارایه شده می دهیم.

بازار پول- زیرمجموعه ای ازبازار مالی است و در کنار بازار سرمایه مطرح می شود این دو بازار مکمل یکدیگرند، بازارپول به تأمین مالی کوتاه مدت می پردازد و منابعی تحت عنوان وام برای مقاصد کوتاه مدت در این بازار عرضه می شود. که عمدتاً برای بهبود وضعیت نقدینگی واحدهای اقتصادی است، این بازار وجوهی را در اختیار بنگاه های اقتصادی قرار می دهد در تعریف بازار پول می توان گفت، که کمبود و یا مازاد نقدینگی موقتی را جبران می کند.

بازار سرمایه- این بازار نیازهای واحدهای تجاری و دولت را در محدوده مالی وام های بلند مدت و میان مدت برآورده می کند که معمولاً مدت آن برای بیش از یکسال است در واقع بازار سرمایه منبع اصلی تأمین مالی بلند مدت است که اوراق قرضه (با سررسید بیش از یکسال) در آن مبادله می شود.

در کشورهای پیشرفته ابزارهای بازار سرمایه از اهمیت بیشتری برخوردار است و در ایران تأمین منابع مالی برعهده بازار پولی (بانکها) گذاشته شده است.

انواع سرمایه گذاری درجهان

سرمایه گذاری در جهان با انواع و روش های متنوع و متعددی انجام می شود که به طور مختصری به پاره ای از آنها اشاره می شود.

سهام

اوراق قرضه

روش کوتاه مدت انتقال سرمایه (finance)

پرداخت قیمت فناوری ها و تجهیزات دریافت شده در قبال برات مدت دار (usance)

خطوط اعتباری(credit lines)دریافت کننده آن، بدون پرداخت وجهی اجازه می یابد به اندازه معینی از تولیدات و خدمات اعطا کننده خط اعتباری، استفاده نماید.

BOT (build operate & transfer) یا ساخت، بهره برداری و واگذاری، که سرمایه گذار خارجی پس از اخذ امتیاز واحد صنعتی، مسئولیت تأمین مالی، ساخت و بهره برداری از واحد صنعتی را با شرایط از پیش تعیین شده برای مدت مشخص (حدود ۱۰ الی ۱۳سال) برعهده می گیرد.

BOO(Build operate & ownershiP)ساخت و بهره برداری و مالکیت این روش مشابه روش bot می باشد با این تفاوت که مالکیت طرح مذکور به کشور میزبان منتقل نمی شود.

BLT (build lease & transfer)

ساخت ، اجاره، انتقال در این نوع سرمایه گذاری قرارداد تسهیلات جدید با سرمایه خصوصی ایجاد می شود و بعد از انقضای مدت اجاره، مالکیت آن به دولت میزبان انتقال می یابد.

BLO (build lease & operate) (ساخت ، اجاره، بهره برداری) این نوع سرمایه گذاری همانند BLT می باشد ولی مالکیت به دولت میزبان انتقال نمی یابد.

DBOM(Design build operate & maintenance) طراحی، ساخت، بهره برداری، نگهداری ، مانندسرمایه گذاریBOO , BOT می باشد یعنی انتقال طرح پس از پایان بهره برداری می تواند با انتقال مالکیت و یا بدون انتقال آن باشد.

ROT-(Rehabilitate operate&Transfer)

احیاء بهره برداری، مالکیت این نوع سرمایه گذاری چون boo است ولی برای احیاء(ترمیم) یک طرح موجود انجام می شود و مالکیت آن در اختیار سرمایه گذار است.

BUYBack (بیع متقابل) در این نوع سرمایه گذاری خرید کارخانه، تجهیزات تولیدی و یا تکنولوژی در ازاء تحویل محصولات مستقیم یا غیرمستقیم آن ، انجام می گیرد.

عوامل مؤثر در سرمایه گذاری خارجی در ایران

ابتدا این توضیح را بدهم که سرمایه گذاری خارجی به دو شکل مستقیم و یاغیرمستقیم انجام می شود که در نوع اول شخص حقیقی یا حقوقی خارجی درصدی از سرمایه یا سهام عادی و یا حق رأی بنگاه اقتصادی به ثبت رسیده را در اختیار می گیرد این نوع سرمایه گذاری با کنترل و پذیرش ریسک و مدیریت واحد سرمایه پذیر همراه است ولی در نوع دوم که آنرا سرمایه گذاری در سبد مالی نیز می گویند، سرمایه گذاری بر روی اوراق بهادار،(سهام، شبه سهام) و ابزارهای بدهی مانند اوراق قرضه و نیز ابزارهای مشتق، مانند قراردادهای پیمان آتی و اختیارمعامله در بازار اوراق بهادار انجام می شود و سرمایه گذار در کنترل یا مدیریت واحدهای سرمایه پذیر نقشی ندارد. باز یادآور می شوم که به دلیل کمی وقت این مفاهیم را به طور اجمالی شرح دادم عزیزانی که مایل به دریافت بیشتری در این زمینه هستند می توانند

به ماهنامه پیام آبادگران ارگان رسمی انجمن شرکتهای ساختمانی مراجعه کنند که متن کامل آن را به تدریج و به صورت سلسله مقاله در آنجا ارایه خواهیم داد.

اما در مورد عوامل مؤثر در سرمایه گذاری خارجی در ایران باید بگویم که برخی از اقتصاددانان سرمایه را به مثابه پرنده ای می دانند که منطقه مورد نظر را بررسی می کند و بعد از اطمینان و اعتماد از امنیت در منطقه و وجود آب و دانه در آن فرود می آید. جهت جلوگیری از اطاله کلام گزاره های زیر را به عنوان عوامل مثبت مؤثر در سرمایه گذاری خارجی در ایران ارایه می دهیم.

- بالابودن نرخ رشد اقتصادی در کشور و بنگاههای اقتصادی آن.
- تثبیت روند و فرآیند نرخ ارز در مبادلات ارزی .
- بالا بودن میزان ذخایر ارزی در کشور و بنگاه های اقتصادی سرمایه پذیر.
- ثبات، امنیت و سلامت نظام بانکی و سرعت و سهولت اجرایی و عملیاتی در آن.
- بالا بودن میزان نقدینگی در بازار سرمایه اعم از سهام و اوراق بهادار.
- متناسب و واقعی بودن نرخ های بهره در کشور میزبان و بانکهای تخصصی و تجاری آن.

عوامل مؤثر در انگیزه سرمایه گذاران خارجی

همانطوری که اشاره شد سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری می بایستی انگیزه داشته باشند برای ایجاد مشوق ها و انگیزه های کافی برای آنها باید تمهیداتی اندیشیده شود که به دلیل کمی وقت آن را هم فهرست وار ارایه می دهم.

- اطمینان سرمایه گذار به بازگشت سود و اصل سرمایه و سرعت و سهولت در انجام و اقدام روند و فرآیند آن.
- مشخص و معین بودن قوانین مالیاتی در داخل کشور سرمایه پذیر و ثبات و تداوم آن.
- شفافیت و روشنی و وحدت رویه در برداشت از مقررات بازار سهام و اوراق قرضه .
- کاربرد استانداردهای لازم جهانی در کیفیت عملیات حسابداری و معیارهای تعریف شده آن برای افشای صورتهای مالی .
- ایجاد بسترها و امکانات لازم برای سرعت و سهولت و قابلیت های نظام تسویه حساب .

- امکانات کافی کارگزاری و ایجاد زمینه های لازم برای دسترسی به مؤسسه های امین و کارگزار.
- مشخص و معین بودن میزان و چارچوب های قانونی برای حمایت از حقوق سرمایه گذار

لازم به ذکر است که سرمایه گذاری خارجی در رشد و توسعه کشور از طریق پرکردن شکاف اندوخته سرمایه گذاری و تأمین ارز موردنیاز برای آن نقش پراهمیتی دارد پژوهش ها و بررسی های انجام شده نشان می دهد که ضریب همبستگی میان جریان های سرمایه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلیGDP و میانگین سالانه نرخ رشد در بخش بزرگی از کشورهای سرمایه پذیر و بنگاه اقتصادی آن برابر با ۰/۳۶ بوده است که ضریب بسیار مؤثری می باشد.

عوامل برشمرده شده در فوق در سرمایه گذاری در ایران نیز مؤثر است و لازم است به موارد ذکر شده مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را هم اضافه کنم حال، برای جمع بندی و روشن شدن این بحث اینجانب براساس تجربیات پنجاه وسه ساله خود و به عنوان دبیر دوره های متعدد و متوالی انجمن شرکتهای ساختمانی و دبیرکل کانون عالی انجمن های صنفی و کارفرمایی ایران

پیشنهادها و نقطه نظرات خود را در زمینه مشارکت عمومی و خصوصی در توسعه زیرساخت های کشور در سه سطح خرد، میانه و کلان به شرح زیر ارایه می دهم.

الف: در سطح خرد-

۱. تجهیز شرکتها و مؤسسات بخش خصوصی به ابزارهای نوین فناوری اطلاعات.
۲. جدایی مالکیت از مدیریت در مؤسسات بخش خصوصی.
۳. بالا بردن کیفیت منابع انسانی شاغل در بخش خصوصی به منظور افزایش کارایی ، اثربخشی و بهره وری.
۴. هوشمند سازی سازمانی و تبدیل بخش خصوصی به نهادهای یادگیرنده.
۵. حرکت از مدیریت در این نهادها به سمت رهبری انسانی.

۶. ایجاد زمینه ها و شرایط لازم برای ابداع، اختراع و نوآوری در بخش خصوصی.

۷. کاربرد T.Q.M(total quality management) در بخش خصوصی .

یعنی کیفیت بهتر محصول ، قیمت مناسب تر، سرعت تحویل بیشتر و تأمین رضایت مشتری را الگوی کار قرار دهیم.

۸. تجهیز مدیران به تفکر آماری و استنباطی تا بتوانند دنیای شگفت انگیزی که به دنبال هر پدیده قرار دارد به درستی بشناسد و شایسته ترین تصمیم گیری را اخذ کنند.

ب: در سطح میانه-

۱. کاهش بوروکراسی در نهادهای ذیربط .
۲. هماهنگی میان نهادهای اثرگذار بر روند امور بخش خصوصی.
۳. تقلیل نهادها و مراکز تصمیم گیری در محدوده استانداردهای جهانی.
۴. مشارکت دادن بخش خصوصی در روند تصمیم سازی ها و تصمیم گیریهای متناسب با کارکرد این بخش .
۵. ثبات قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بخش خصوصی.
۶. انجام بهنگام تعهدات بخش کارفرمایی (که عمدتاً دولتی و یا شبه دولتی است) نسبت به عمکرد بخش خصوصی.
۷. برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های نهادهای دولتی براساس واقعیتهای واقعاً موجود.
۸. بهبود فضا ی کسب و کار با ایجاد مشوق ها و تسهیلات لازم.
۹. تعریف واقعی از مفهوم بخش خصوصی در چارچوب قانون اساسی و در قوانین تفصیلی.

ج: در سطح کلان-

۱. ایجاد شرایط مساعد برای فعالیت های برون مرزی.
۲. حمایت نهادهای برون مرزی حاکمیتی از بخش خصوصی فعال در حوزه مأموریت آنها.
۳. حضور فعالان و نمایندگان واقعی بخش خصوصی درکارگروه تهیه ی مقاله نامه های دولت.
۴. پذیرش استانداردهای بین المللی و کاربرد آن در روند امور بخش خصوصی.

۵. ایجاد شرایط کافی برای همکاری بخش خصوصی ایران با بخش خصوصی سایر کشورها و فراهم کردن امکانات و حمایت های لازم.
۶. ایجاد جاذبه های لازم برای سرمایه گذاران خارجی و فراهم کردن امکانات رفاهی و گذراندن اوقات فراغت مناسب برای آنها در چارچوب عرف بین المللی .
۷. حمایت از اصل سرمایه و سود انتظاری سرمایه گذاری در طول مدت قرارداد.

از صبر و شکیبایی شما تشکر و سپاسگزاری می کنم.

منابع:

گزارش های پژوهشی اداره مطالعات و بررسی های اقتصادی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران سالهای ۸۶ وبعد از آن

رضایی زاده علی، جزوه آموزشی مقدماتی سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران بهار ۸۴

رحیمی فر مهدی بررسی عملکرد اقتصادی انتشار اوراق مشارکت در ایران وزارت امور اقتصادی و دارائی ۸۲ . میرمطهری سید احمد مقاله تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بازارهای پول و سرمایه دراقتصاد ایران کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی .

دوانی غلامحسین مقاله بازار سرمایه یا پول .

جهان آرا عادل گزارش و گفتگو بازار پول و بازار سرمایه ماهنامه بانک و اقتصاد شماره ۲۹ غنی نژاد موسی مقاله سیستم بانکی پولی دولتی فقدان بازار سرمایه.

بانک توسعه آسیایی چشم انداز توسعه آسیایی ۱۹۹۹ دانشگاه آکسفورد هنگ کنگ سلسله هم اندیشی های تخصصی ملزومات رشد و توسعه بازار سرمایه کشور مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف زمستان ۸۵ .

ماهنامه پیام آبادگران سلسله مقالات نگاهی به ادبیات اقتصادی و مالی در ایران از شهریورماه ۹۰ تا پایان سال ۹۰.

ماهنامه پیام آبادگران سلسله مقالات نگاهی به ادبیات اقتصادی و مالی در ایران شماره فروردین ماه و اردیبهشت ماه ۹۱ .

غلامرضا علی زاده تعاون و توسعه اقتصادی انتشارات خوشبین سال ۸۷ وزارت تعاون.

English refrence

Ifc.investment funds in emerging market lesson of experience series number 2 1956-1996 , p

dsp parentid = titlehttp://www.ipo.ir/far/cntent